



السَّلامُ عَلَيْنَا يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
الَّذِي بَقِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ
أَبَدًا مَا بَقِيَ نَبِيُّ وَنَبِيَّكَ وَآلِهِمْ وَآلِهِمْ
السَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَآلِهِ عَلَيْهِ السَّلامُ وَآلِهِ عَلَيْهِ السَّلامُ

نشریه فرهنگی اجتماعی **بَسَام**
سال دوم شماره هفتم، محرم ۱۴۳۹

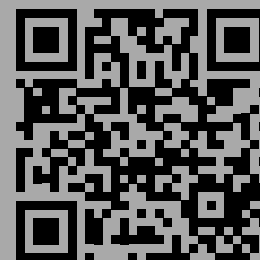


بسام از تمامی علاقه مندان (دانشجویان، اساتید، کارمندان، نویسندگان و...) عضو میپذیرد.



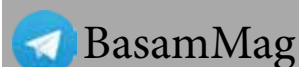
از این شماره مجلات بسام را با آوای صوتی مطالعه کنید.

رادیو بسام



برای دانلود رادیوی کامل این شماره
رمزیننه بالا را اسکن کنید.

BasamMag.ir
sms:50002206226



#از شما دعوت میکنیم در تولد یکسالگی بسام حضور داشته باشید_ صفحه؛

مجله بسام

هماره مجوز: ۲۰۱۱۶۹۸۸۷
 نشریه دانشجویی فرهنگی اجتماعی
 دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

www.BasamMag.ir



دفتر مرکزی:
 دانشکده پرستاری، طبقه سوم
 دفتر توزیع:
 ساختمان امام خمینی، طبقه دوم
 آدرس دانشگاه:
 زنجان، کیلومتر ۴ جاده ترانزیت
 اهر-خرمدره
 پل ارتباطی:
 ۰۹۳۷۵۳۹۳۷۷۳

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
 مهدی محمدی



سرمد:
 فاطمه رحیمی هنرور

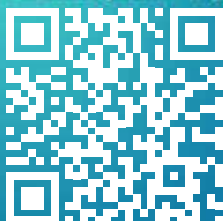


هیئت تحریریه این شماره:
 طاهره سقایان، لیلا محمدی
 میترا طارمی، فاطمه علیزاده



با تشکر ویژه از:
 جناب آقای دکتر افشاری
 جناب آقای دکتر پویامنش
 جناب آقای دکتر پیری
 جناب آقای نقیلو
 جناب آقای صدی
 سرکار خانم عسگری

شماره هفتم / سال دوم
 مهر ۹۶ / دانلود نسخه PDF



۴ آغاز خاطره BASAM
 ۶ میل کم به آشپزی

۸ قانون های نانوشته BASAM
 ۹ مصاحبه با آقای...

۱۰ سرطان روده

۱۲ روز شمار محرم BASAM
 ۱۴ اخبار BASAM

۱۵ حاج عباس BASAM
 ۱۸ داستان

۱۹ معرفی کتاب

۲۰ کدبانو BASAM
 ۲۱ مصاحبه با خانم...





آغاز خاطره

تا چشم بر هم میگذاریم عمر چون عقربه ثانیه ساعت میگذرد...

انگار همین دیروز بود! برای اولین بار و برای ثبتنام به واحد ابهر آمدم... مو به موی لحظات رو به خاطر دارم: هیاهویی که داشتیم و گاهی سکوت و تلخی... از شوخی ها و سر به سر گذاشتن های دانشجویان و پرسنل، که البته کار همیشه مون هست! معذرت میخوام از همه ی عزیزانی که باهاشون شوخی کردیم. یقینا هر کسی با خودش عهدی میبندد و بهش پایبندد، ما عهد بستیم هر وقت هر کجا رفتیم اطرافیانمون رو شاد کنیم، با انرژی، با لبخند و با شوخی، وقتی انسان لبخند میزنه زندگی براش لذت بخش میشه. میدونید به کسی که زیاد لبخند بزنه در اصطلاح میگن (بسام)؟ خوب اینو گفتم که ماجرای اسم **کانون فرهنگی بسام** رو مطلع بشید.

چند روزی از مهر ۹۵ گذشته بود که با حوزه معاونت دانشجویی فرهنگی آشنا شدیم، هیچ وقت یادم نمیره اولین شخصی که تو این حوزه باهاشون ارتباط برقرار کردیم آقای نقیلو بود. همون هفته بسام تاسیس شد. اول تنها **نشریه** بودیم... ولی الحمدلله با لطف و اعتمادی که مسئولین داشتند یک هفته نشد که شدیم **کانون**. که از همین جا ویژه از آقای دکتر افشاری و دکتر پویامنش و دکتر پیری تشکر میکنیم. به لطف خدا روز به روز بزرگ و بزرگ تر شدیم: پرتال اینترنتی بسام، کانال تلگرامی، بروشور ها و نرم افزارهای تولیدی، کارگاه آموزشی، جذب اعضا و...

و امروز قراره **تولد یک سالگی بسام** را تبریک بگیم و امیدواریم در دومین سال فعالیت بتوانیم بهتر از قبل در کنار شما و در سفره ی فرهنگیان حضور داشته باشیم. خانواده ی بسام اکنون بزرگ تر و گسترده از قبل شده و میخوایم عضو جدید این خانواده را معرفی کنیم (**رادیو بسام**) که آرزو میکنیم مهمان دلنشین دقیقی از زندگیتان باشد... از تک تک دانشجویان، پرسنل و اساتید تشکر میکنیم که دست این کودک نوپا را گرفتند و راه رفتن آموختند و با آغوش گرم در کنار خود پذیرفتند و استقبال کردند... و در آخر بابت نگارش خودمونی و عامیانه ازتون پوزش میخوام بزارید به حساب جوانی! جا دارد از :

آقای دکتر پهلوان افشاری سرپرست دانشگاه.

حجت الاسلام و المسلمین گروسی مسئول نهاد رهبری.

آقای دکتر نجفی معاونت آموزشی.

آقای دکتر پویامنش معاونت دانشجویی فرهنگی.

آقای دکتر فرهنگمندان معاونت اداری مالی.

آقای دکتر ویلیانی معاونت پژوهشی.

آقای دکتر طاهری معاونت سما.

آقای نظری مدیر دانشبنیان.

آقای شمعون رییس حراست.

آقای دکتر پیری سرپرست دانشکده منابع طبیعی.

آقای دکتر اله یاری ریاست فنی مهندسی.

آقای دکتر منصفی ریاست دانشکده انسانی.

خانم عسگری ریاست دانشکده پرستاری.

آقای دکتر حسینی مدیر تربیت بدنی.

آقای نقیلو رییس اداره فرهنگ.

آقای بیگی مسئول استخر.

آقای شیخی رییس پژوهش فنی.

آقای حاجیخانی رییس پژوهش انسانی.

آقای انصاری مدیر مالی.

آقای صالحی فرد رییس هیات علمی.

آقای صدری مدیر امور دانشجویی و کمیته انضباطی.

آقای خسروی مدیر اداری.

خانم محدث، جلیلی، حیدری و کلانتری مسئولین فناوری.

خانم طاهروردی و آقای حیدری مسئولین برنامه ریزی.

خانم حاجی قربانی و تارپوردی مسئولین دبیرخانه.

آقای احمدخانی، بابایی و خانم نقیلو مسئولین روابط عمومی.

خانم خدمتکاری، مشاور، آقای جعفری و اسدی مسئولین فارغ التحصیلان.

خانم صادقی، صالحی، دوامکار و آقای هادیلو مسئولین اداره مالی.

خانم پناهی و آقای اکبری مسئولین صندوق رفاه.

آقای مقیمی، عسگری و خانم کتابی مسئولین کتابخانه.

خانم محمدی مسئول سایت مرکزی.

آقای اسماعیلی و محمدی مسئول دفتر ریاست.

خانم خاکی و سقایان مسئولین تربیت بدنی.
 آقای توکلی مسئول علم و صنعت.
 آقای محمودی مسئول سمعی و بصری.
 آقای نوروزی مسئول کارپردازی.
 آقای حیدری مسئول امور اداری.
 خانم عزیزی، آقای انصاری، کردبچه، صالحی مسئولین امور مالی.
 آقای حسینی مسئول مالی انبار.
 آقای خانی مسئول انبارداری.
 خانم کتابی سرپرست خوابگاه.
 آقای کریمی مسئول امور دانشجویی.
 آقای لطفی مسئول سایت کارمندان.
 خانم گلپور و نقیلو مسئولین کانون قرآن و عترت.
 آقای مرسلی مسئول بسیج.
 خانم حسینی اقدام و بابایی مسئولین باشگاه پژوهشگران.
 خانم کلانتری مسئول دفتر معاونت آموزشی.
 آقای نوروزی مسئول دفتر معاونت پژوهش.
 خانم کریمی مسئول دفتر معاونت دانشجویی فرهنگی.
 آقای افشار مسئول دفتر معاونت مالی.

خانم صمدی مسئول دفتر کشاورزی.
 خانم نوری مسئول دفتر پژوهش فنی.
 آقای بیگلر و مرسلی مسئولین امتحانات.
 خانم شیرنگ مدیریت آموزش دانشکده انسانی.
 خانم فتحی مدیر آموزش کشاورزی.
 خانم فهیم مدیر آموزش دانشکده فنی.
 خانم کریمی تیریزی مدیر آموزش پرستاری.
 خانم صمدی، شیخی، عباسی و آقای الهیاری مسئولین آموزش انسانی.
 خانم جعفری مسئول رشته فنی.
 خانم بیگدلی مسئول دبیرخانه انسانی.
 آقای کرمی و خانم خوشگونه مسئولین دفتر پژوهش انسانی.
 آقای مقدم مسئول دفتر اساتید کشاورزی.
 آقای مصلی مسئول دفتر اساتید انسانی.
 خانم فتحی مسئول کتابخانه پرستاری.
 آقای خانمحمدی مسئول کتابخانه انسانی.
 آقای نوروزی مسئول اتاق پراتیک.
 آقای جعفری و خانم عابدینی مسئولین خوابگاه.

و تمام عزیزانی که اسامی شان در لیست به خاطر عدم حضور ذهن، منتشر نشد کمال قدردانی و سپاسگزاری را داشته باشیم و بهترین ها را برایشان آرزو مندیم.

مهدی محمدی
 مدیر مسئول کانون و نشریه بسام



آقایان باید توجه کنند که خانم ها را نباید دائم در آشپزخانه محبوس کرد باید خانم ها را تشویق کرد به طور مثال وقتی که همسران از سر کار باز میگردند و شما همین طور بدانید همان گونه که شما خسته اید او نیز هست پس به همسران در آشپزی کردن کمک کنید اینگونه حمایت شما را حس میکند و همچنین هر دو لذت میبرید.



چرا دخترها امروزی میل کمتری به آشپزی دارند؟

دخترها مادران نسل آینده اند و مادران مدیران اجرایی یک خانواده هستند. دخترها خودتان را دست کم نگیرید! شما مدیران اجرایی آینده هستید و اهمیت مادر بیشتر از یک مدیر اجرای هست..



مسلم آقایان نیز از انجام دادن کار تکراری نیز خسته میشوند حالا فکر کنید خانم ها دائم آشپزی میکنند گاهی بهتر است همسران را برای شام دعوت کنید و از او به خاطر غذاهای که تهیه می کند تشکر کنید. در هر کاری ممکن است اشتباه پیش آید با غذاهای اشتباه همسران یا دختران آن ها را از آشپزی کردند دل زده نکنید او را حمایت کنید و تشویق کنید که دفعه ای بعد بهتر خواهد شد. خانم ها به انگیزه بیشتری نیاز دارند.

شاید دوست دارند غذاهای جدیدی را تهیه کنند و این امر نباید با مقاومت روبه رو شود به طور مثال این چیه پختی؟ باید آن ها را تشویق کرد.

یکی از مهمترین دلایلی که می تواند منجر به این امر شده باشد: پایین آمدن منزلت اجتماعی یک خانم خانه دار است.

هنگامی که ارزش یک کار پایین بیاید مطمئناً دیدها نسبت به آن فرق می کند، متأسفانه در جامعه کنونی دید خوبی نسبت به یک خانم خانه دار به چشم نمیخورد و غالباً دخترها فکر میکنند آشپزی کردن هدر دادن وقت می باشد! و دوست دارند به کارهای دیگری نیز بپردازند.

مسلم حق طبیعی یک زن هست که در کارهای دیگر از جمله تحصیلات و غیره پیشرفت کند اما نباید مقام و منزلت یک خانم خانه دار پایین آورده شود و کارهای مثل آشپزی کردن را ساده گرفت!

گرایش کمتر خانم ها به آشپزی

دلیل دوم: دخترهای نسل جدید باید قبول کنیم که علاقه به چیزهای جدید و متنوع دارند

دلیل ششم: عدم آمادگی برای آشپزی
برخی از دختران جوان که در رفاه کامل قبل از ازدواج در خانه پدری به سپر برده اند اطلاعات بسیار کمی در باب آشپزی دارند و شاید گسترده آن به یک نیمرو ختم شود!!! ولی در عین حال با گذشت زمان این نو عروسان پخت و پز را به خوبی فرا خواهند گرفت. پس توصیه ما به آقایان این است در کنار همسران باشید و از او حمایت کنید

دلیل هفتم: دنیای اینترنت
متأسفانه دخترهای ما وقت بیشتری را در دنیای مجازی صرف می کنند البته به این معنی نیست که نباید از دنیای مجازی استفاده کرد

دلیل سوم: تحصیلات، درس خواندن وقت می خواهد انرژی بنابراین زمان کمتری در اختیار دخترها برای یادگیری آشپزی می باشد و سبب شده دختران کمی دورتر از آشپزخانه قرار بگیرند نه اینکه خود تمایل نداشته باشند بلکه واقعا وقت کمتری را دارند

کار کردن:

خانم ها یا دخترها وقتی که از سر کار برمی گردند تمایل کمتری به آشپزی کردن نشان می دهند. چون آشپزی یک هنر است و آرامش ذهنی و جسمی را طلب می کند.

دلیل پنجم: اینجا حمایت خانواده خصوصاً آقایان مطرح است



دخترها خودتان را دست کم نگیرید
شما مدیران اجرایی آینده هستید
و اهمیت مادر بیشتر از یک مدیر
اجرایی است

امیدوارم مدیران اجرایی خوبی در
آینده باشیم البته بانوان زیادی وجود
دارند که هم سرکار می روند و هم
به خوبی از عهده محیط خانواده بر
می آیند

دورد بر همه بانوان
چه خانه دار چه شاغل

آشپزی کردن را یاد بگیرند و مادرها
نیز به قولی: کمی دخترها را لوس
کرده اند!

ولی باید حد اعتدال را در نظر
گرفت اما حقیقت این است که دنیای
مجازی باعث شده خانم ها از محیط
آشپزخانه دور شوند
دخترها مادران نسل آینده اند و
مادران مدیران اجرایی یک خانواده
هستند

همان طور که یک مدیر اجرایی کار
خود را به خوبی انجام ندهند نظم
یک اداره به هم می ریزد .
مادر نیز همین طور هست..

ولی باید حد اعتدال را در نظر
گرفت اما حقیقت این است که دنیای
مجازی باعث شده خانم ها از محیط
آشپزخانه دور شوند

دلیل هشتم: محیط آشپزخانه

محیط آشپزخانه باید محیطی شاد و
آرام بخش باشد نور و رنگ مناسب
و خصوصا اینکه با سلیقه خانم ها
هماهنگ باشد

دلیل نهم: در گذشته به آشپزی
کردن اهمیت بیشتری داده میشد
ولی اکنون دخترها وقت کمتری را
با مادر می گذارند تا در کنار مادر



قانون‌های نانوشته



قانون‌های بسیاری در زندگی انسان‌ها جاری است که بسیاری از آن‌ها در غالب دین به میان آورده شده و امروزه قانون‌های هم هستند که هر کشور بر اساس موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگ هر جامعه تدوین میشوند که از آن به عنوان قانون اساسی یاد میشود و بسیاری از قانون‌ها در طول زمان و برهه‌های اجتماعی در هر کشوری تغییر پیدا کرده



قانون نهم: اگر میخواهید شاید باشید از وجود خود شروع کنید مطالعات زیادی نشان داده است که ارتباط عاطفی مؤثر است.

انسان از همان ابتدا تحت تأثیر نوازش‌های مادر قرار دارد و حتی در کودکان نارس با نوازش درمانی به رشد نوزاد کمک میکنند پس خجالت را کنار بگذارید مهم نیست چه سنی دارید کسانی که دوستشان دارید در آغوش بگیرید و اینگونه بگویید که من شما را با همه‌ی وجودتان دوست دارم. قانون دهم: گاهی برخلاف برنامه همیشه زندگی‌تان باشید کاری را انجام دهید که کمتر فرصت داشته باشید این به آن عمل کنید یا کاری که متفاوت باشد و سبب تازگی روحتان شود اصلاً یک روز در ماه برای خود اختصاص بدید که کارهای باب میل خود را انجام دهید...

یکی از مهمترین و مشکل‌ترین قانونهای زندگی عشق ورزیدن است چون به اندازه‌ای تمام انسانهای موجود روی زمین دیدگاه برای عشق ورزیدن وجود دارد

موفق باشید تمام قانون‌ها برای این است که انسان به زندگی اجتماعی و فردی سالم پیش رود.

اما قانون‌هایی وجود دارند که نوشته نشده اند ولی وجود دارند، اما بستگی به خود شخص دارد و حتی شخص میتواند با وجود اجرای این قانون‌ها زندگی بهتری داشته باشد.

یکی از قانون‌ها این است که انسان باید به خودش احترام بگذارد جسم و ظاهر خود را دوست داشته باشد و حتی به روح خودش زیرا انسان دارای روحی هست که شناخت آن لازمه زندگی است ولی باید بدانیم که هیچ کس نمیتواند این بعد انسان را به طور کامل بشناسد.

قانون دوم: اینکه هر انسانی دارای توانایی محدود به خودش را دارد و نباید از وجود خود انتظاری بیش از آن را داشته باشد و خودش را با حرف‌های بیهوده آزار دهد.

قانون سوم: تا وقتی که در جستجوی خوشبختی در آنسوی مرزهای وجود خود باشید هرگز آن را به دست نیاورید بلکه باید در وجود خود آن را جستجو کنید که کلید خوشبختی خود شماست.

قانون چهارم: گاهی بدون دلیل خوبی کنید، مهم نیست خوبی شما چقدر کوچک یا بزرگ باشد اینکه بتوانید خوبی کنید به شما احساس خوبی میدهد که توانایی انجام کاری را دارید و انگیزه‌ی شما را برای زندگی بیشتر میکند.

قانون پنجم: واژه‌ای موفقیت شاید واژه‌ای پوچی باشد چون برای هر انسان موفقیت معنای خاص خودش را دارد پس موفقیت‌های خود را با موفقیت‌های دیگران نسنجید.

قانون ششم: به عقاید دیگران احترام بگذارید و گاهی بدون قضاوت به حرف‌هایشان گوش فرا دهید حتی به عقاید کودکان. شاید میان حرف‌های بیهوده یک شخص نگینی را پیدا کنید.

قانون هفتم: گاه انسانی که برای تو بد است ممکن است برای دیگری مثمر بخش باشد. در رفتار با انسانها سعی کنید که از الماس وجود او بهره ببرید و نخاله‌هایش را دور بریزید. قانون هشتم: وسعت دیدتان را بالا ببرید انسانها به‌گونه‌ای متفاوتی ابراز وجود و محبت می‌کنند و هرکسی به شما محبتی ارزانی می‌دارد با کمال احترام قبول کنید حتی اگر آن از دید شما مورد قبول نباشد یا ارزشی نداشته باشد بدانید شاید توانایی او در این حد بوده است.



گفتگوی با خانواده ی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

۱- دوران راهنمایی را در کدام مدرسه و کدام شهر سپری فرمودید؟

ابهر مدرسه معلم.

۲- تحصیلات متوسطه دوم را در کدام شهر، کدام دبیرستان و در چه رشته ای سپری کردید؟

ابهر دبیرستان شریعتی- ریاضی فیزیک.

۳- در فاصله زمانی بین سوال یکم و دوم چه فکری و آینده ای برای خود پیش بینی میکردید؟

علاقه زیادی به مهندسی، صنعت و کشاورزی داشتم، دوست داشتم در صنعت شهر ابهر تحول ایجاد کنم و آن زمان دوران جنگ بود و

۷- چگونه عاشق شدید و ازدواج کردید؟

ازدواج من کاملاً منطقی و عاقلانه بود و همین طور به انتخاب علاقه خودم...

۸- چه شد شاغل دانشگاه آزاد شدید؟

کاملاً تصادفی صاحب این شغل شدم، در این دانشگاه کار دانشجویی داشتم و با توجه به نیاز دانشگاه وارد این محیط شدم.

۹- تصمیم شما برای آینده چیست؟

بسیار دوست میدارم که به تشکلهای و انجمنهای مردمی و خیریه کمک کنم و برای بهبود شهر و جامعه تلاش کنم و همچنین به ورزش و تفریح اهمیت بیشتری دهم.

شود و همیشه شاهد پیشرفت دانشجویان فارغ التحصیل در شغل های کلیدی کشور باشیم.

۱۳- اگر بخواهید از افرادی که در سمت و سو گیری زندگی شما نقش مفید ایفا کرده اند قدر دانی کنید، اولویت با چه کسانی است؟

از پدرم تشکر میکنم که حمایتگر من بودند و مشکلات زندگی را پوشش میدادند و امیدوارم روح ایشان شاد و در آرامش باشد؛ دلسوزی های مادرم و همراهی همسر و محبت های برادر و خواهرم نیز کمال تشکر را دارم.

۱۵- و سخن پایان...

امید به بهبودی اوضاع کشور به طوری که تمام فارغ التحصیلان این واحد در مشاغل دلخواه خود مشغول و موفق باشند و ضمناً تشکر میکنم از ریاست محترم دکتر



علاقه داشتم به جبهه بروم.

۴- آیا در زمینه های فرهنگی، اجتماعی، فعالیت داشته اید؟

در فعالیت های بسیج شرکت میکردم، در جلسات هفتگی قرآن حضور داشتم و همین طور کلاس های فرهنگی.

۵- کنکور را چگونه پشت سر گذاشتید؟
برای کنکور برنامه ریزی خاصی نداشتم و استرس چندانی نداشتم و آن را پشت سر گذاشتم.

۶- تحصیلات دانشگاهی را در چه رشته ای و از چه دانشگاهی به پایان رساندید؟

لیسانس و ارشد را در دانشگاه آزاد زنجان گذراندم در رشته مدیریت بازرگانی.

۱۰- دانشگاه در یک نگاه از زبان شما...

یک سازمان با پتانسیل های بالا و تاثیرگذار در اوضاع پیرامون شهرهای اطراف و در کل کشور به صورت ناشناخته مانده است.

۱۱- توصیه و پیشنهاد شما نسبت به دانشجویان چیست؟

بدون حرف و حدیث های حاشیه ای به افزایش داشته های علمی و پر بار کردن دانش خود بپردازند و ابعاد مختلف زندگی از جمله سیاست، اقتصاد جامعه توجه داشته باشند و یک بعدی نباشند.

۱۲- دوست داشتید الان در کجا و یا در چه سمتی و حتی در چه شرایطی بودید؟

به سمت و مقام خاصی فکر نمیکنم دوست داشتم سطح علمی دانشگاه از این هم بهتر

پهلوان افشاری که در آشفته ترین وضعیت سکان دار کشتی دانشگاه در دریای پرتلاطم روزگار هستند.

تیم نشریه فرهنگی اجتماعی بسام صمیمانه از شما تشکر میکند و آرزوی بهترین ها را برایتان دارد...

نام: پیمان مقیمی

متولد: ۱۳۵۳

تحصیلات: کارشناسی ارشد

متاهل و صاحب یک فرزند

۱۸ سال سابقه کار و هم اکنون

مدیریت کتابخانه مرکزی واحد

با مصاحبه ی دوم این شماره در صفحات بعدی همراه ما باشید...

سرطان روده

سرطان یکی از بیماری‌های عصر جدید است و این بیماری بسته به اینکه به کدام بخش از بدن حمله می‌کند دارای اشکال مختلفی است. اما برخی سرطان‌ها قابل پیشگیری هستند این سرطان‌ها را می‌توان با دانستن علایم و نشانه‌های مربوطه تشخیص داد.



سرطان روده یکی از شایع‌ترین سرطان‌ها در جهان و ایران نیز است ذکر این نکته ضروری است که سرطان روده بزرگ شایع‌تر از سرطان روده کوچک است، بنابراین قصد ما از سرطان روده، روده بزرگ است. با غربال‌گری ۹۰ درصد سرطان روده را می‌توان درمان کرد. و این بیماری در مراحل آخر کشنده است، سرطان روده بزرگ جزء بیماری‌های خطرناک است و از نظر شیوع دومین سرطان شایع و سومین علت مرگ ناشی از سرطان در تمام دنیا است و در ایران نیز همین آمار را داریم اما نکته تأسف بار این است که در ایران سن شیوع پایین‌تر از حد استاندارد جهانی است. سرطان روده بزرگ شایع‌ترین بدخیمی دستگاه بالغین است. سن ابتلای شایع این بیماری بالای ۵۰ سال است و پس از آن به تدریج انسیدانس این بیماری با افزایش سن، بیشتر می‌شود ۸ درصد سرطان روده بزرگ در سنین زیر ۴۰ سالگی اتفاق می‌افتد و در سنین زیر ۲۰ سال نادر است.

سرطان روده بزرگ چیست؟ در این بیماری سلول‌های سرطانی در داخل بافت روده شروع به تکثیر می‌کنند. اگر چه این سرطان از جمله معمول‌ترین سرطان‌های بشر به شما می‌رود.

روده بزرگ شامل دو بخش است: بخش اول اصطلاحاً کولون نامیده می‌شود که حدود ۱۸۰ سانتی متر طول دارد، بخش دوم نیز راست روده نام که طول آن ۲۵ تا ۳۵ سانتی متر می‌شود.

روده بزرگ قسمتی از چهار هاضمه را در بدن انجام می‌دهد، چهار هاضمه در پروسه جذب مواد غذایی (ویتامین‌ها، مواد کانی، کربو هیدرات‌ها، چربی‌ها، پروتئین‌ها و آب) از غذاهای مختلفی و همچنین دفع مواد زائد از بدن فعالیت می‌کنند. چهار هاضمه از مری، معده، روده کوچک و بزرگ تشکیل شده است.

رنگ مدفوع، تغییر قطر مدفوع، احساس عدم تخلیه کامل پس از اجابت مزاج، احساس ضعف و خستگی، کاهش انرژی و عدم احساس بهبودی سلامت، وجود خون در مدفوع، زیاده روی در خوردن غذای مورد علاقه.

علائم سرخ‌های آزار دهنده‌ای هستند و پیام‌شان این است که در درون بدن همه چیز سر جای خودش نیست.

بیشتر نشانه‌های سرطان روده بزرگ، پس از اینکه سرطان رشد می‌کند خودشان را نشان می‌دهند به همین دلیل است که بحث‌های پیرامون علائم سرطان روده بزرگ معمولاً مبحث معاینه، آزمایش، غربال‌گری می‌شود. علائم سرطان روده بزرگ نشان‌گر این باشد که سرطان در کدام قسمت روده در حال رشد است هر چند ممکن است فردی سرطان روده بزرگ داشته باشد اما هیچ نشانه‌ای نداشته باشد.

غربال‌گری: یعنی جست‌وجوی سرطان در یک فرد سالم. اصول اولیه غربال‌گری شامل بدون عارضه بودن، موثر بودن، قابل تشخیص، نتایج مثبت و منفی حداقل باشد، هزینه‌های آن قابل تحمل باشد. غربال‌گری سرطان روده بسیار موثر بوده است روند پیشرفت سرطان روده بزرگ بسیار کند است و به تدریج پولیپ‌ها بدخیم می‌شود از شروع تبدیل پولیپ به یک پولیپ بدخیم ۱۰ سال طول می‌کشد و برداشتن آن تا ۹۰ درصد سرطان را به تأخیر می‌اندازد.

غربالگری شامل: ۱- بررسی مدفوع ۲- کولونوسکپی ۳- عکس برداری از روده بزرگ ۴- تست‌های ژنتیکی

مراحل سرطان روده بزرگ:

مرحله صفر: در مرحله صفر سرطان فقط در سطحی‌ترین سلول‌های پوششی روده بزرگ یافت می‌شود.

مرحله یک: در مرحله یک انتشار سرطان جزایه‌های پوششی به لایه دوم و سوم روده بزرگ نیز انتشار یافته است و دیواره‌ای داخلی روده نیز درگیر شده است ولی سرطان به خارج از دیواره روده بزرگ انتشار نیافته است و معادل مرحله یک در طبقه‌بندی دوک A قرار دارد.

مرحله دو: در مرحله دوم سرطان از دیواره روده بزرگ تقریباً خارج شده ولی غدد لنفاوی را گرفتار نکرده است مرحله دو بیماری در طبقه‌بندی دوک B قرار دارد.

مرحله سه: در مرحله سه سرطان غدد لنفاوی را درگیر کرده ولی به سایر نقاط بدن

ریسک فاکتورها:
۱- مطالعات نشان داده که مصرف غذاهای پرچرب، گوشت قرمز، الکل باعث افزایش بیش از حد سرطان روده است برعکس مصرف شیر، سبزیجات، میوه جات به خصوص اگر مصرف بالای داشته باشند. بروز سرطان را تا ۴۰ درصد کاهش داده.

۲- مصرف سیگار
۳- نقش ورزش در کاهش سرطان روده اثبات شده

۴- مطالعات نشان داده عوارض مصرف آسپرین به عنوان داروی ضد سرطان بیشتر از فوایدش است و مصرف آن برای کاهش سرطان توصیه نمی‌شود.

۵- عوامل ژنتیکی و ارثی نیز نشان می‌دهند که ژن‌های شناخته شده اند که حدود ۱۰۰ مورد با سرطان روده در ارتباط است اولین بیماری که مرتبط با سرطان روده است این بیماری به صورت ارثی به کودکان می‌رسد بیماری پولیپوز فامیلیال است. فردی که مبتلا به این بیماری است تمام روده بزرگش پر از پولیپ است. این پولیپ‌ها از سن ۱۶ سالگی بروز پیدا می‌کند و صد درصد آنها قبل از ۴۵ سالگی مبتلا به سرطان روده می‌شوند. شناسایی این افراد در زمان طلایی بسیار اهمیت دارد و فردی که مبتلا به این بیماری است با تشخیص پزشکی تصمیم به برداشتن روده بزرگ می‌گیرد تا از گزند سرطان در امان باشد. شیوع بیماری «HNPCC» که معادل فارسی آن بیماری ارثی سرطان روده بدون پولیپ است کمتر است اما باید آن را مدنظر قرار دهیم.

علایم سرطان‌های دستگاه گوارش از جمله سرطان روده بزرگ: درد شکم، نفخ دایمی، تهوع و استفراغ مداوم، سوزش سر دل، دردهنگام بلع غذا، کاهش اشتها، گیر کردن لقمه غذا، لاغری بدون علت، سوء هاضمه، تغییرات جدی در اجابت مزاج، یبوست طولانی، تغییر

گسترش نیافته است. این مرحله معادل دوک C می باشد.

مرحله چهار: مرحله ای چهارم سرطان به نقاط دیگر بدن مثل کبد یا ریه گسترش پیدا کرده و دوک D می باشد.

فاکتورهای مخصوص در انتخاب درمان و پیش آگهی (شانس بهبودی، انتخاب درمان ها و پیش آگهی بستگی به مرحله بندی سرطان دارد آیا سرطان فقط لایه ای داخلی پوششی روده بزرگ یا تمام ضخامت روده بزرگ یا به سایر نقاط بدن گسترش یافته است)، همچنین به وضعیت سلامت بیمار بستگی دارد. عود سرطان روده بزرگ به سرطانی گفته می شود که پس از درمان مجدد عود یا بازگشت نماید عود سرطان روده بزرگ ممکن است در روده بزرگ یا سایر نقاط بدن مثل کبد، ریه، یا هردو باشد.

درمان ها: (جراحی، شیمی درمانی، رادیو تراپی یا پرتو درمانی، درمانهای بیولوژیک).

درمانهای مختلفی در دسترس بیماران مبتلا به سرطان روده بزرگ است بعضی از آنها استاندارد هستند (درمان های رایج) و بعضی از آنها به صورت تجربیات بالینی مورد استفاده قرار می گیرند. قبل از شروع درمان بیماران ممکن است که رغبت خود را در قسمت تجربیات جدید بالینی نشان دهند در درمان به صورت تجربیات بالینی که در حقیقت مطالعه تحقیقاتی از داروی جدیدتر و یا تغییر در داروهای قبلی استفاده می شود و در صورت موفقیت روش جدید جای روش استاندارد گذشته را میگیرد.

جراحی (برداشتن سرطان توسط عمل جراحی): شایع ترین نوع درمان است که در همه مراحل کانسر کولون به کار می رود و پزشک ممکن است سرطان را به یکی از روش های زیر خارج نماید.

جراحی محدود و محلی: اگر سرطان در مرحله بسیار اولیه تشخیص داده شود ممکن است عمل جراحی بدون باز کردن شکم توسط پزشک انجام شود که این از طریق مقعد به داخل روده بزرگ و عمل جراحی از این طریق انجام گیرد، به این طریق برداشتن ضایعه محلی می گویند. اگر سرطان در یک پولیپ تشخیص داده شود به این عمل جراحی پولیپکتومی اطلاق می گردد.

رزدکسیون به همراه کولستومی: اگر اندازه سرطان بزرگتر باشد پزشک عمل کولونکتومی انجام می دهد سپس پزشک ممکن است آناستوموز (دوختن دو طرف سالم روده بزرگ

به یکدیگر را) انجام دهد.

معمولاً پزشک غدد لنفاوی روده بزرگ را جهت احتمال درگیری توسط سرطان بیرون آورده و در زیر میکروسکوپ آزمایش خواهد نمود.

شیمی درمانی: استفاده از داروها جهت کشتن سلولهای سرطانی است. شیمی درمانی ممکن است از طریق دهان یا از طریق تزریق وریدی و یا تزریق عضلانی باشد به این نوع درمان ها درمان جامع گفته می شود و به دلیل اینکه داروها اول وارد گردش خون شده سپس به اقصاد نقاط بدن رفته و می تواند سلول های سرطانی را در تمام نقاط بدن مورد تهاجم قرار دهند. در این روش ها داروها به صورت دوره ای تجویز می شوند یعنی دوره درمانی را یک دوره استراحت ادامه می یابد و بعد از آن از نو دوباره دوره درمانی شروع می شود. در صورتیکه سلول های سرطانی کبد را درگیر کرده باشند می توان دارو را مستقیماً به شریانهای تغذیه کننده کبد تزریق نمود. بعد از آنکه جراح تمام سلولها و بافت سرطانی را از طریق جراحی برداشت. یک دوره شیمی درمانی نیز داده می شود تا سلولهای سرطانی باقی مانده در صورت وجود از بین روند.

عوارض جانبی شیمی درمانی: داروهای شیمی درمانی معمولاً سلولهای را با سرعت بالا را مورد هدف قرار می دهند. از آنجایی که در بدن علاوه بر سلولهای سرطانی بافتهای نظیر سلولهای خونی، بافت پوششی سیستم گوارشی و سلول های فولیکول مو نیز از سرعت تکثیر بالایی برخوردار هستند. لذا ممکن است این بافتهای نیز مورد هدف داروهای شیمی درمانی قرار بگیرند. در نتیجه عوارض جانبی شامل: عفونتها، خستگی، ریزش مو، زخم های دهانی و یا سایر علائم است.

از آنجا که داروهای شیمی درمانی مغز استخوان را به شدت تحت تاثیر قرار می دهند ممکن است کم خونی (به صورت کاهش انرژی انجام کارها)، کاهش پلاکت های خونی (به صورت خون ریزی) یا کاهش گلبول های سفید (به صورت افزایش ابتلا به عفونتها) ایجاد شود. معمولاً کسانی که از این روش درمانی استفاده می کنند به تمامی این علائم مبتلا نمی شوند. به علاوه در طی دوره استراحت و بعد از قطع درمان تمامی این علائم برطرف می شود.

رادیو تراپی (پرتو درمانی): پرتو درمانی از طریق استفاده از اشعه ایکس و سایر پرتوها جهت کشتن یا کوچک نمودن توده های سرطانی استفاده می شود. پرتو درمانی ممکن است به صورت پرتو درمانی خارجی (استفاده از دستگاه رادیو تراپی در خارج از بدن) و یا پرتو درمانی داخلی باشد. پرتو درمانی داخلی از طریق استفاده از رادیو ایزوتوپ های مختلف (موادی که پرتو را می باشند) از طریق لوله های پلاستیکی کوچک در داخل بدن و در محل تجمع سلول های سرطانی به کار می رود و سرطان روده بزرگ ممکن است از طریق رادیو تراپی خارجی درمان گردد. پس از درمان آزمایش خونی که در آن آنتی ژن کارسینو

امبریونیک (CEA) ماده ای که در خون است که ممکن است در بیماران مبتلا به سرطان روده بزرگ افزایش یابد (به همراه سایر موارد اندازه گیری می شوند تا از عود بیماری پزشک اطلاع حاصل نماید). عوارض جانبی پرتو درمانی: شایع ترین عوارض جانبی پرتو درمانی شامل خستگی، واکنش پوستی در محل بر خورد اشعه با پوست و کاهش اشتها می باشد. بعلاوه ممکن است این روش منجر به کاهش گلبول های سفید خونی که از بدن در برابر سایر عفونتها محافظت می کنند شود. بعضی از این عوارض قابل کنترل و قابل درمان هستند و در بسیاری از موارد این عوارض دائمی نمی باشند.

درمان بیولوژیکی جدید: نوعی درمان است که در آن توانایی تحریک سیستم ایمنی بدن در مقابله با سرطان به عنوان درمان به کار می رود. موادی که توسط بدن در آزمایشگاه ساخته شده جهت تقویت و یا ذخیره نمودن دفاع طبیعی بدن در مقابل بیماریهایی به کار می روند. به درمان بیولوژیکی ممکن است متغیر پاسخ بیولوژیکی ایمنی درمانی نیز اطلاق گردد. زمانی جواب می دهد که سرطان در همان مراحل اولیه شناسایی شود.

درمان های خانگی متعددی برای جلوگیری از سرطان روده بزرگ وجود دارد و یکی از آنها با استفاده از غذاها و خوراکی است غذاها به این دلیل ساده که منابع طبیعی و ارگانیک هستند، برای پیشگیری و درمان و مبارزه با سرطان بسیار توصیه می شود:

۱_ انار: این منابع حاوی الایک اسید هستند که جزئی از «فیتو نو ترینت ها» است. این اسید دارای خاصیت مبارزه با شکل گیری و جهش سلول های سرطانی که منجر به سرطان روده بزرگ می شوند.

۲_ چای: چای سرشار از کاتچین است، ترکیبی که به عنوان پیشگیری کننده تکثیر سلول های سرطانی در روده بزرگ شناخته شده است این ترکیب همچنین از جهش سلول های سرطانی جلوگیری می کند و خبر خوب این است که همه ای انواع چای دارای این ترکیب هستند پس برای جلوگیری از سرطان روده چای بنوشید.

۳_ زرد چوبه: بحث های جنجالی درباره ای مضرات مصرف ادویه ها را رها کنید و زردچوبه را که ادویه ای طبیعی است، مصرف کنید. این ادویه ای زرد رنگ که در پودر کاری یافت می شود، یک جزء فعال به نام کور کومین دارد که سرشار از خواص آنتی اکسیدانی و ضد احتراقی است و این توانایی را دارد که در کار پیام رسانی سلول های سرطانی اختلال ایجاد کند.

۴_ سیب زمینی شیرینی: حاوی آنتی اکسیدان قوی به نام بتاکاروتن است که یکی دیگر از منابع قدرتمند مبارزه با سرطان است.

نتان همیشه سلامت باد.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۲ محرم

- دفن شهدای کربلا
- ورود کاروان اسرای کربلا به کوفه

۱۱ محرم

حرکت کاروان اسیران اهل بیت (ع) از کربلا

۱۰ محرم

روز عاشورا

- صف آرایی سپاه امام حسین (ع)
- خطبه خواندن امام حسین (ع)
- آغاز نبرد و شهادت اصحاب و اهل بیت (ع)
- نماز ظهر عاشورا
- وداع امام حسین (ع) با خیمه ها
- شهادت امام حسین (ع)
- غارت خیمه ها

شهادت حضرت ابوالفضل (ع)، حضرت علی اکبر (ع) و حضرت قاسم بن الحسن (ع)

۹ محرم

روز تاسوعا

- درخواست تأخیر جنگ از سوی امام حسین (ع)
- رد امان نامه شمر توسط حضرت ابوالفضل (ع)
- محاصره خیمه ها
- خطبه خواندن امام حسین (ع)
- غسل شهادت

۸ محرم

قحط آب در خیمه های حسینی

۷ محرم

- ملاقات امام حسین (ع) و عمر بن سعد

شهادت حضرت علی

روز شمار وقایع دهه نخست محرم

کربلا

ورود کاروان امام حسین (ع) به کربلا

۲ محرم

- ورود سپاه عمر بن سعد به کربلا
- نامه امام حسین (ع) برای اهل کوفه و شهادت قیس بن مسهر
- خریداری بخشی از خاک سرزمین کربلا توسط امام حسین (ع)

۳ محرم

- سخنرانی عبیدالله بن زیاد در مسجد کوفه و گرد آوردن
۱۳ هزار نفر در قالب چهار گروه
- صدور فتوای قتل امام حسین (ع) توسط «شریح قاضی»

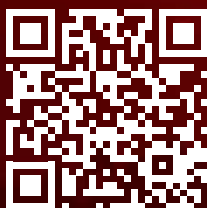
۴ محرم

عبیدالله بن زیاد شخصی به نام «شبت بن ربیع» را به کربلا
اعزام کرد. ابن زیاد همچنین دستور داد شخصی به نام
«زجر بن قیس» با ۵۰۰ نفر مانع پیوستن مردم به امام شود

۵ محرم

گفت و گوی حبیب بن مظاهر با قبيله بنی اسد

۶ محرم



برنامه ی ویژه عاشورایی در رادیو بسام

بستن آب فرات بر روی کاروان امام حسین (ع)

۷ محرم (ع)

رویدادهای فصل

دریای طوفانی، ناخدا ی لایق می سازد، همیشه ممنون لحظات سخت زندگی باش



همایش هدایت تحصیلی و انتخاب رشته دانشگاهی



هفدهمین دوره جشن فارغ التحصیلی دانش آموزان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر



تبریک روز کارمند به سبک بسام به پرسنل محترم واحد ابهر



پیام دکتر کیان پهلوان افشاری ریاست محترم دانشگاه آزاد اسلامی ابهر
به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷

امیدوارم این شروع مبارک، منتهی به سرانجامی موفقیت آمیز در عرصه علم و دانش و فرهنگ در ایران اسلامی مان گردد



BASAM



سرور بسام



سرور آپارات



دبیرخانه دومین جشنواره سراسری نشریات دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی با حضور جمعی از مسئولان سازمان مرکزی در ساختمان ولایت واحد شهرقدس گشایش یافت



آمدی جانم به قربانت ولی "بی سر" چرا؟
ورود پیکر پاک شهید حججی به کشور



تبریک دکتر رهبر در آیین آغاز سال تحصیلی به دانشجویان و دانش آموزان

شهر سقوط کرد، اما ایمان نه

هشت سال دفاع مقدس صحنه رشادت‌های بی‌نظیری از سوی مردم بود ولی بی‌شک قیام جوانان خرمشهری برای متوقف کردن ماشین جنگی صدام آن‌هم با دست‌خالی از اتفاقات فراموش‌نشده است. عباس یاسری که اکنون بیش از ۶۰ سال دارد و مو سفیده کرده است، هنوز هم با یادآوری روزهای ابتدایی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می‌گوید: «شاید هیچ‌کس نمی‌داند جنگ چقدر چهره ترسناک و خشنی دارد. جنگ به کسی رحم نمی‌کند، همه چیز را با خاک یکسان می‌کند.»

جنگی نابرابر در شرایطی که ایران اسلامی تحمیل شد که از جانب استکبار جهانی به‌ویژه آمریکا تحت‌فشار شدیدی قرار داشت و در داخل کشور نیز جناح‌های وابسته به غرب و شرق، با ایجاد هیاهوی تبلیغاتی و ایجاد درگیری‌های نظامی در صدد تضعیف نظام بودند و نیروهای نظامی نیز به خاطر نپا بودن انقلاب، هنوز مراحل بازسازی و ساماندهی را به‌طور کامل پشت سر نهاده بودند.

جنگ که آغاز شد، خرمشهر بیش از هر شهر دیگری آسیب دید و در خط مقدم قرار گرفت ولی بچه‌های خرمشهر بیکار نبودند و با سلاح‌هایی ابتدایی که گاه در میان آن‌ها برنوهای زهوار در رفته هم مشاهده می‌شد، ماشین جنگی عراق را در مرزها تا حدودی متوقف کردند تا خانواده‌هایی که در شهر خرمشهر بودند فرصت پیدا کنند شهر را ترک کنند.

نورانی عقیده دارد: حمله عراق به خرمشهر مغول وار بود و آن‌ها هیچ ابایی از به خاک و خون کشیدن مردم و ویران کردن شهرهای مرزی ایران نداشتند. همین فساوت دشمن باعث شد اهالی خرمشهر تصمیم به دفاع بگیرند. دیدن آن صحنه‌ها برای جوانان خرمشهر خیلی تکان‌دهنده بود. این خاطره را قبلاً هم تعریف کرده‌ام، یاد می‌آید که در یکی از صحنه‌های جنایت، اعضای یک خانواده با شلیک توپخانه ارتش بعث هنگام صبحانه قتل‌عام شده بودند. از میان آن‌ها زنی، بچه‌اش از ناحیه سر ترکش خورده بود و خون از سر و صورتش جاری شد، مادر بچه با گریه و فریاد راهی کوچه و خیابان شده بود و آه و ناله‌اش خون جوانانی که ناظر صحنه بودند را به جوش آورد. همین صحنه‌های تکان‌دهنده جوانان خرمشهری را به قیام واداشت.

نورانی در خصوص ساماندهی بچه‌های خرمشهر برای دفاع از شهر هم می‌گوید: مسلح شدن جوانان خرمشهر و تشکیل اولین هسته مقاومت، ایده شهید جهان‌آرا بود. او پس از آنکه خیل جوانان دختر و پسر مقابل سپاه صف بستند، دستور داد، انبار سلاح به روی آن‌ها گشوده شود. یادم هست که سلاح‌های آن روز از پادگان زمان شاه مانده بود. اسلحه آن روز بچه‌ها عمدتاً «ژ - سه» «ام - یک» و «برنو» بود که عمدتاً برای مرزبانی در رژیم گذشته استفاده می‌شد اما چون جنگ ماهیت شهری پیدا کرده بود مردم با هر ابزاری که می‌توانستند از سلاح گرم تا سرنیزه و حتی کوکتل مولوتف مبارزه را شروع کردند حتی عشایر منطقه با اسلحه

حاج عباس، کارمند تازه استخدام یکی از سازمان‌های آبادان بود که در دوران جنگ هم به فراخور شغلش تقریباً در آبادان ماند و روزهای پرمشقتی را پشت سر گذاشت. او عقیده دارد: «تازه انقلاب روزهای خوش خود را به ما نشان داده بود و ما در آبادان واقعاً روزهای خوشی داشتیم که جنگ چهره خشن خود را نمایان کرد. روزها و شب‌های تلخی برای ما آغاز شد و شهر ما هشت سال تمام زیر آتش دشمن ماند و اکنون نیز بعد از گذشت سال‌ها هنوز هم آبادان، آبادان نشده است.»

بچه‌های رزمنده آبادان و خرمشهر عقیده دارند، جنگ به شکل رسمی روز ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ آغاز شد ولی به‌صورت غیررسمی قبل از آن روز آغاز شده بود، چرا که تحرکات روزهای قبل ارتش عراق در مرزها نشان می‌داد آن‌ها سودایی شوم در سر دارند و قصد دارند به شهرهای ایران دست‌اندازی کنند ولی توصیه‌ها و اخطارهای بچه‌های سپاه به دولت بنی‌صدر، پشت گوشه انداخته می‌شد تا اینکه عراق با استفاده از ارتش تا بن دندان مسلح خود به سمت مرزهای ایران یورش برد.

محمد نورانی یکی از مدافعان شهر خرمشهر که در زمان آغاز جنگ ۲۲ ساله بوده است در خصوص آغاز جنگ می‌گوید: از یک ماه و ۱۰ روز پیش از آغاز جنگ رسمی، عراق تحرکات خود را در مرزهای ایران شروع کرد که در این درگیری‌ها چند تن از پاسداران ما شهید شدند. عراق از تاریخ ۲۱ شهریورماه ۱۳۵۹ آتش‌کاری خود را روی مواضع و روستاهای خرمشهر عملاً آغاز کرد و ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ رسماً اعلام جنگ کرد. آن‌ها با ماشین جنگی پیشرفته‌ای که داشتند، روستا به روستا پیشروی کردند.

آغاز رسمی جنگ

در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ رژیم بعثی عراق با تصمیم و طرح قبلی و با هدف برانداختن نظام نوپای جمهوری اسلامی جنگی تمام‌عیار را علیه ایران اسلامی آغاز کرد. صدام حسین رئیس‌جمهور عراق با ظاهر شدن در برابر دوربین‌های تلویزیون عراق و پاره کردن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، آغاز تجاوز رژیم بعثی به خاک ایران را اعلام کرد.



نمی دانستند که امروز دشمن چه هدف شومی را برای آنان در نظر گرفته بود. آن مناطق کاملاً مشخص بود که مناطقی مسکونی و روستایی نشین است ولی بالین حال حمله ناچوانمر دانه جنگنده های عراق در عرض چند دقیقه تمامی آن محله را که مملو از مردم مهاجر شلمچه بود بمباران کرد.

وی عنوان می کند: کشتار بی رحمانه ای صورت گرفت و کاملاً به یاد داریم که خانواده هایی به طور کامل در این حمله کشته شدند، مشخص بود عراق کاملاً عصبی شده بود چرا که تصوراتش مبنی بر اشغال سریع شهرهای جنوبی ایران به خطا خورده بود و می خواست تلاشی را سر مردم بی گناه و بی دفاع روستاهای مرزی درآورد. آمار کشته ها و زخمی ها بسیار بالا بوده مردم از آن روز متوجه شدند که دیگر ماندن در خانه های خود کاری اشتباه است ولی با این اوصاف باز نمی توانستند خانه ها و مزارع خود را که با جان و دل ساخته بودند و یادگار اجدادشان بود را یک روزه ترک کنند.

سقوط خرمشهر

خرمشهر در نهایت با وجود همه جان فشانی های رزمندگان ایران، در غروب غمبار چهارم آبان ماه ۱۳۵۹ به اشغال دشمن درآمد و سقوط کرد. روزی که هر ثانیه و دقیقه اش برای مدافعان خرمشهر و خصوصاً بچه های این شهر، مملو از بغض های فروخورده ای بود که همراه آفتاب کم رقیق آبان ماهی، در میان امواج خروشان کارون غرق می شدند.

شامگاه چهارم آبان ماه، صدای هلهله شادی دشمن در آن سوی شط، به وضوح شنیده می شد و دل رزمندگانی که در کوک شیخ موضع گرفته بودند را خون می کرد. خرمشهر در پی ۳۴ روز مقاومت جانانه سقوط کرده بود و آن طور که شهید دکتر مصطفی چمران بیان می دارد: آزادی خرمشهر به غرور جوانان ایرانی گره خورده بود.

چهارم آبان سالروز سقوط خرمشهر است. شهری که در رقابتی تاریخی با بندر بصره، همواره مورد مناقشه دولت های ایران و عثمانی قرار می گرفت و طی فرازاها و فرودهای متعدد، نام خود را در گوشه و کنار کتاب های تاریخی به ثبت می رساند. چنانچه این شهر قبل از اشغال توسط بعثی ها، دو بار توسط عثمانی ها و یکبار توسط حاکم بغداد به تصرف درآمده بود. شهری که در اوایل دهه ۱۳۵۰ و پس از گذراندن دوره های دشوار تاریخی، به جهت انجام مبادلات عظیم تجاری در آن، از حیث اهمیت اقتصادی و استراتژیکی تنه به تنه آبادان می زد، دوباره مورد طمع دشمنان قرار گرفت و این بار خونین تر از دفعات قبل، در چهارم آبان ماه ۱۳۵۹ هجری شمسی به اشغال درآمد.

بعد از هجوم سراسری دشمن، مدافعان خرمشهر توانستند ۳۴ روز مقابل دشمن ایستادگی کنند. از مرز شلمچه و پل نو گرفته تا فلکه مقاومت و خیابان چهل متری و بازار صفا و گمرک و مسجد جامع، و جب به وجب جنگیدند و همین مقاومت جانانه نیز باعث شد تا سقوط این شهر در غروب غمبار چهارم آبان ماه برای مدافعانش گران تمام شود.

یکی از مدافعان این شهر در خصوص آخرین لحظات مقاومت می گوید: مسجد جامع سنگر اصلی ما به شمار می رفت. تا این مسجد سرپا بود، حتی دشمن جرات نداشت بگوید که شهر را گرفته است اما غروب روز چهارم

شکاری شان به میدان آمدند یا آنکه دختران و پسران جوان با بمب های دست ساز به مقابله با تانک و زره پوش های دشمن می رفتند.

۴۸۰ شهید غیرنظامی تا روز سوم جنگ

طبق آمار موجود در روز سوم هجوم دشمن به کشور تعداد شهدای غیرنظامی به ۴۸۰ نفر اعم از زن و مرد و کودک رسید در حالی که بسیاری دیگر دچار جراحت بسیاری شدند و ساختمان های شهرهای جنوبی خوزستان به کلی تخریب شد. بسیاری از انبارها و تأسیسات طعمه حریق شده بودند و اغلب ادارات بدون تخلیه امکانات و اسناد تعطیل شده بود و هر از چند گاهی یکی از آن ها دستخوش حمله دشمن می شد.

حمید محمودی که در آن روزها دانش آموز بود، گفت: به همراه پدر و مادر و برادرانم برای آغاز سال تحصیلی جدید از بازار «لین یک احمد آباد» لباس و کیف و کفش گرفته بودیم و برای آغاز سال تحصیلی جدید لحظه شماری می کردم که یک روز قبل از آغاز سال تحصیلی، بدترین خاطرات زندگی زیبا و بی حاشیه ما پراهمان رقم خورد.

وی افزود: آن روزها باید به کلاس سوم ابتدایی می رفتم در حالی که معدل کلاس اول و دوم من نمره ۲۰ را نشان می داد. به علت آغاز جنگ و سرگردانی من و خانواده ام بین شهرهای اهواز، شوشتر و برخی روستاهای بین این دو شهر آن سال به مدرسه نرفتم. وقتی سال بعد به مدرسه رفتم آن قدر از درس و مدرسه متنفر شده بودم که دیگر پیش از کلاس سوم درس نخواندم و بعد از دو سال در کلاس سوم، مجبور به ترک تحصیل شدم.

کشتار پناهجویان شلمچه

احمد بحرانی یکی دیگر از شاهدان جنگ و کسی که مستقیماً منزلش مورد اصابت نیروهای دشمن قرار گرفته به خبرنگار مهر می گوید: هم زمان با شروع حملات و حرکت نیروهای زمینی ارتش عراق در مرزهای خاکی که سمت شلمچه بود مردم آن مناطق ناچار خانه و کاشانه خود را ترک می کنند و در مناطقی این سوی کارون در جزیره مینو ساکن می شوند. وی می افزاید: مهاجرت مردم موقتی بود چرا که همه مردم تصور می کردند که تعرض عراق موقتی بوده و با دخالت سازمان ملل این جریان پایان می یابد ولی متأسفانه سکوت مجامع غربی و چراغ سبز آن ها به رژیم بعث صدام، باعث شد این جنگ هشت سال خرابی و آوارگی و کشتار مردم بی دفاع را در بر داشته باشد.

احمد ادامه می دهد: تعداد زیادی از مردم شلمچه که از مناطق خود به سمت جزیره مینو آمده بودند در روستاهای آخر این جزیره مورد استقبال مردم روستاها قرار گرفته و در خانه های آنان ساکن شدند. چند روزی از جنگ می گذشت تا آن روز به صورت مستقیم به خانه های مردم حمله نمی شد هواپیماهای دشمن فقط روی تأسیسات پالایشگاهی و پتروشیمی آبادان تمرکز کرده بودند.

بحرانی می افزاید: آن روز را همه مردم به خاطر دارند زیرا روز سیاهی برای مردمی بود که در خانه های خود در کنار خانواده نشسته بودند و

جرات ماندن در شهری که ثانیه به ثانیه آن زیر آتش موشک و بمب‌های دشمن بود نداشت.

هر قدم که در شهر برمی‌داشتم کودکان کشته‌شده‌ای را می‌دیدم که چهره آن‌ها برایم آشنا بودوی عنوان می‌کند: کاملاً این صحنه‌ها را در ذهن خود دارم و هر وقت به آن فکر می‌کنم ناخودآگاه اشک چشمانم را خیس می‌کند، هر قدم که در شهر برمی‌داشتم کودکان کشته‌شده‌ای را می‌دیدم که چهره آن‌ها برایم آشنا بود. فرید با چشمانی گریان و بغضی در گلو ادامه می‌دهد: چهره خون‌آلود دوستانم هیچ‌گاه از نظرم محو نمی‌شود. عبدالرضا، رسول و همبازی‌ها و همکلاسی‌های من غرق در خون و در حال جان دادن بودند.

یکی از کارکنان پالایشگاه آبادان هم در مورد هجوم دشمن به این پالایشگاه گفت: آن زمان پالایشگاه آبادان که ظرفیت روزانه ۶۳۰ هزار بشکه نفت در روز را داشت یکی از بزرگ‌ترین پالایشگاه‌های کشور بود و طبیعی بود که دشمن از آن به‌عنوان اولین هدف تهاجمی استفاده می‌کند و این چنین شد و در شامگاه روز سی و یکم این پالایشگاه مورد حمله قرار گرفت و تعداد فراوانی از همکاران ما به خیل عظیم شهیدان پیوستند اما برای من جالب و حیرتانگیز این بود که با وجود بمباران شدید این پالایشگاه هیچ‌یک از کارکنان آن ترسی از جنگ و بمباران نداشتند و تا روز آخر جنگ عملیات این پالایشگاه در جریان بود ضمن اینکه برخی از تجهیزات را که نمی‌توانستیم با پدافند غیرعامل حفظ کنیم به سایر نقاط کشور منتقل کردیم.

غلامرضا بغلانی نیز در مورد حال و هوای آغاز جنگ در خرمشهر می‌گوید: هنوز ۱۹ ماه از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که صدام ناقوس جنگ را به صدا درآورد، ما هم که هنوز از پیروزی انقلاب خوشحال بودیم و توانسته بودیم با چوب و سنگ در خرمشهر علیه رژیم شاه قیام کنیم تحمل هجوم دشمن بیگانه به خاک خود را نداشتیم و یادم می‌آید در همان روز اول با برخی از همفکرانم به دنبال اسلحه بودیم تا در مقابل هجوم دشمن به شهر مقاومت کنیم ولی اسلحه‌ای یافت نمی‌شد تا اینکه گفتند در یکی از مناطق خرمشهر با تحویل شناسنامه تفنگ برتو می‌دهند، ما هم این کار را کردیم ولی این تفنگ آن قدر قدیمی و پوسیده بود که حتی ۱۰ تیر هم با آن شلیک نکردم و مجبور شدیم در پشت جبهه به دفاع بپردازیم.

آبان ماه درحالی‌که عراقی‌ها به چند متری مسجد رسیده بودند، شهید جهان‌آرا اندک مدافعان باقیمانده را جمع کرد و گفت دیگر ماندن بی‌فایده است و باید شهر را ترک کنیم. به دستور جهان‌آرا، من و چند نفر دیگر از مدافعان از کوچه کناری مسجد خودمان را به کارون رساندیم و به آب زدیم و با شنا خودمان را به کوت شیخ در آن سوی شط رساندیم. خرمشهر شامگاه همین روز سقوط کرد.

ایمانتان سقوط نکند

از شهید محمد جهان‌آرا این‌طور نقل می‌شود که وقتی خرمشهر سقوط کرد و او شاهد ناراحتی زانداالوصف هم‌رزمانش بود، آن‌ها را در آن سوی کارون جمع می‌کند و می‌گوید: «اگر خرمشهر سقوط کرد دوباره آن را پس می‌گیریم، مراقب باشیم ایمانمان سقوط نکند.»

یکی از رزمندگانی که شاهد سخنان جهان‌آرا بود، می‌گوید: در آن لحظات حساس کمتر کسی از رزمندگان با چنین دیدی به موضوع سقوط خرمشهر نگاه می‌کرد. در واقع وجود بسیاری از ما مملو از غم و کینه از دشمن بود، اما جهان‌آرا و امثال او نگاهی الهی به وقایع داشتند و تاریخ نشان داد که چطور با آزادسازی خرمشهر، حرف جهان‌آرا به واقعیت تبدیل شد. به‌راستی برنده واقعی کسی بود که ایمان خود را حفظ کرد و در برابر ناملایماتی چون سقوط خرمشهر، یأس و ناامیدی را به خود راه نداد.

همبازی‌هایم مقابل چشمانم غرق در خون شدند

سید حسین موسوی که در آن زمان نوجوانی بیش نبود از خاطرات از دست دادن دوستان همبازی خود در آن زمان به خبرنگار مهر می‌گوید: از آغاز جنگ تحمیلی، شدت حملات روز به روز بیشتر شده بود، از سوی نیروهای رزمنده به مردم اعلام شده بود که محل سکونت را ترک کنند و به جاهای امن‌تر خارج از شهر بروند. آمار شهدا و زخمی‌های مردم بی‌دفاع شهرها و روستاهای خرمشهر و آبادان بسیار بالا رفته بوده ولی با این حال باز مردم به‌راحتی نمی‌توانستند دیار و کاشانه خود را ترک کنند.

موسوی تصریح کرده: دشمن با هدف نسل‌کشی بی‌رحمانه و بمباران تمامی مناطق مسکونی و تأسیساتی آمده بود و از این کار هم هیچ‌کس لابی نداشت به همین دلیل به اصرار نیروهای رزمنده از شهر خارج شدیم، چون دیگر کسی



داستان به دنبال خوشبختی

قسمت سوم

سرکارگر امیر گفت: فقط ده هزار تومن کمه؟! امیر در افکارش جستجو میکرد که باید چه کند؟! درست است مبلغ ناچیزی است ولی حق بود. کم کم ذهنش این حقیقت را دریافت اگر از حق خود کوتاه بیاید هرگز نمیتواند از حق خود دفاع کند چه برسد به حق دیگران. پس با روحی پر از آرامش رو به سرکارگر کرد و گفت: شما باید ده هزار تومن را بدهید. آن مال من است. سرکارگر زیاد به حرف امیر توجه نکرد و از محل رفت.

امیر تصمیمش را گرفت آدرس خانه سرکارگرش را داشت تمام بعد از ظهر را جلوی درب نشست. وقتی که سرکارگر امیر را دید خشمگین شد، اما در دل ایستادگی این پسر را ستایش کرد، تصمیم گرفت این پسر را از دست ندهد، چرا که امیر را کاری و قابل اعتماد یافته بود و به جای ده هزار تومن سی هزار تومن به او بدهد. اما وقتی به او رسید گفت: بچه مگه نگفتم برو خونتون.

امیر می ترسید اما ترس خود را بروز نمیداد، سعی میکرد با اراده اش بر ترس خود غلبه کند و با صدای مصمم و لرزان گفت: پول من از آنچه که گفته شده کم است.

سرکارگر به پسرک نگاهی کرد و گفت: صبر کن برم خونه پیام.

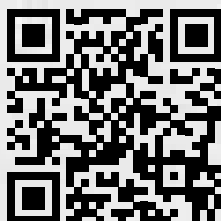
امیر با خودش فکر میکرد که اومی خواهد او را فریب دهد یا میخواهد تلافی گستاخی او را بکند. تا اینکه بعد نیم ساعت او بازگشت به امیر سی هزار تومن داد اما امیر وقتی دید آن پول اضافه است بیست هزار تومن را جدا کرد به سرکارگرش داد اما او قبول نمیکرد، تا اینکه امیر گفت: آقا من فقط مزد خود را میخواهم و نمیتوانم آن را قبول کنم و از محبت شما سپاس گزارم امیر رفت و آن لحظه احساس کرد خوشبختی یعنی تسلیم نشدن و سرکارگر با نگاهی سرشار از محبت راهیش کرد.

او دیگر دبیرستانی شده بود و زمان انتخاب رشته ... او در ریاضی فوق العاده بود، ولی میدانست چه رشته ای انتخاب کند.

بهمن و امیر می خواستند رشته شان را باهم بردارند که کنار هم باشند.

قد بهمن از امیر بلند تر بود و نسبت به امیر چهره ی شیرین تری داشت.

اما امیر قد متوسطی داشت در چهره اش اراده فریاد میزد چشمانش پر از شوق زندگی کردن بود... در عمق چشمانش تلالو خاصی موج میزد که همه را مجذوب خود میکرد.



با رادیو بسام گوش کنید

معرفی کتاب



رمان اجتماعی نوازش های عاشقانه خدا نوشته ی خانم فاطمه رحیمی هنرور. تصویرگر خانم میترا طارمی: داستان زندگی دختری بنام ترنم... زندگی پر فراز و نشیب نوجوانی، تا دوری از خانه و غربت در ترکیه و آمریکا... پیشنهاد میکنیم حتما این رمان رو مطالعه کنید. تصمیم گیری هایی که بر حسب عواطف و ناعاقلانه است گاهی میتواند سرنوشت زندگی فرد را به یکباره تغییر دهد چیزی که امروزه اغلب نوجوانان با آن دست و پنجه نرم میکنند.

کلیپ حوزه ی فرهنگی دانشجویی واحد



Basammag.ir/1313

اپلیکیشن آموزشی شعر و داستان نویسی



Basammag.ir/1383

نرم افزار قرآنی مرسلات



Basammag.ir/1393

لینک به سایت



زندگی زیباست
زشتی های آن تقصیر ماست
در مسیرش هر چه نازیباست آن تدبیر ماست
زندگی آب روان است می گذرد
آنچه تقدیر من وتست همان می گذرد.

محسن زارعی تژاد در خرداد ماه ۱۳۶۷ در شهرک خور واقع در شهرستان ساوجبلاغ از استان تهران به دنیا آمد. وی دانش آموخته رشته حقوق و مدیریت بازرگانی می باشد. او با ۲۱ سال سن جوان ترین نویسنده شهرستان ساوجبلاغ و جزء جوان ترین نویسندگان کشور محسوب می شود. کتاب در مسیر خوشبختی اولین اثر این نویسنده و محقق جوان است.



خورشت بامیه

مرد بزرگ اگر وفار و خویشین داری را فرو بگذار احترام و خرد خویش را از دست می دهد



تفت داده ایم به محتویات داخل دیگ اضافه می کنیم تا پخته شوند. در این نیم ساعت طلایی نباید غذا را زیاد به هم بزنیم یا اینکه طولانی تر روی حرارت بگذاریم چون در صورت شکافته شدن بامیه ها شکل غذا نامطلوب خواهد شد. در نهایت هم نمک، فلفل و ترشی غذا را اندازه می کنیم. در بعضی از مناطق از شیرۀ تمر هندی یا رب انار نیز برای ترشی غذا استفاده می شود. خورش بامیه به همین سادگی آماده شد، فقط باید توجه کنیم که این خورش در پایان زمان پخت، آب زیادی ندارد و خورشی غلیظ و قوام دار محسوب می شود که مثل ایرانی سرو می شود.

با ما در ارتباط باشید
تلگرام بسام:
@basammag

مواد لازم:

بامیه ریز: یک کیلو

گوشت خورشتی: ۳۰۰ گرم

پیاز: یک عدد

سیر: دو حبه

رب گوجه فرنگی: دو قاشق غذا خوری

آبغوره یا آبلیموی تازه: ۴ قاشق غذا خوری

نمک، فلفل و زرد چوبه: به میزان لازم

روغن: به میزان لازم

که رنگ گوشت تغییر کند و آب آن کشیده شود. بعد سیر خرد شده را نیز اضافه می کنیم و یک تفت کوتاه می دهیم تا طلایی شود. اگر سیر را از ابتدا و همراه پیاز روی حرارت قرار داده بودیم، ممکن بود بسوزد و بو و مزه نامطلوبی ایجاد کند.

به هر ترتیب، بعد از تفت دادن گوشت، رب گوجه فرنگی را به سایر مواد اضافه می کنیم و بعد از یک تفت کوتاه، حدود ۴ لیوان آب به دیگ اضافه می کنیم و پس از جوش آمدن آب، حدود ۲ ساعت روی حرارت متوسط می گذاریم و منتظر می مانیم تا گوشت پخته شود. در نیم ساعت آخر پخت غذا، بامیه ها را که از قبل

ابتدا بامیه ها را می شوئیم، خشک می کنیم و سپس بدون اینکه شکافی در آن ها ایجاد شود ساقه شان را جدا می کنیم. حالا با کمی روغن چند دقیقه ای تفت شان می دهیم و کنار می گذاریم. حالا نوبت به گوشت مان می رسد که آن را به صورت خورشتی خرد می کنیم و کنار می گذاریم. باید توجه داشت که اگر در خورش بامیه، ترجیحا از ماهیچه گوسفندی استفاده کنیم نتیجه بهتری به دست خواهد آمد. در این مرحله، در یک دیگ پیاز را خرد می کنیم و با مقداری روغن و زرد چوبه کمی تفت می دهیم تا بعد گوشت را هم به آن اضافه کنیم و چند دقیقه ای با حرارت متوسط تفت دهیم؛ آنقدر

گفتگوی با خانواده ی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

- ۱- دوره دبیرستان را در کدام مدرسه، گذرانده اید؟
خرمدره، مدرسه نمونه دولتی زینبیه.
- ۲- در کجا به دنیا آمده اید، و شما چندمین فرزند خانواده هستید؟
در شهرستان خرمدره به دنیا آمده ام. سه فرزند بودیم، که من فرزند دوم خانواده ام. و پدر و مادرم هر دو فرهنگی بودند.
- ۳- آیا اتفاقی در زندگی شما بوده است که زندگی شما را تغییر داده باشد؟
بله، بهترین اتفاق زندگی من، آشنایی با همسرم بود، که تغییر ویژه، در زندگی من به وجود آورد.
- ۴- آیا کسی را سراغ دارید که شما را دوست دارد؟
همسرم. ایشان علاوه بر دوست داشتن، حمایت های خود به من ثابت کرده اند، که پشتم خالی نیست.
- ۵- آیا کسی در زندگی بوده که باعث انگیزه شما شود؟
همسرم، بزرگترین انگیزه زندگی من است.
- ۶- آیا حرفی دارید که تا حالا بیان نکرده اید، اکنون فرصت خوبی است؟
با صدای بلند داد بزنم، و به پدر و مادرم بگویم: ((دوستان دارم)).

حسن معاشرت است که همسایگی را شیرین می کند



نام: سمیه کریمی
تحصیلات: کارشناسی ارشد مدیریت
متاهل و صاحب یک فرزند
مسئول دفتر معاونت دانشجویی فرهنگی

- ۳- در کودکی رویایتان چه بوده؟
در کودکی دوست داشتم معلم شوم، و به جامعه خدمت کنم.
- ۴- در مورد دوران دانشجویی خود بگویید؟
کارشناسی را در دانشگاه آزاد زنجان، و ارشد را دانشگاه بوئین زهراي قزوین خوانده ام. هر دو رشته مدیریت.
- ۵- کنکور را چگونه پشت سر گذاشته اید؟
کنکور، برای من عادی بود و در هیچ کلاسی ثبت نام نکردم. چون در نمونه دولتی درس خوانده بودم، به همین خاطر پایه ی تحصیلی قوی و خوبی داشتم.
- ۸- چگونه با همسر خود آشنا شدید؟
من در محل کار، مراقب امتحانی بودم، و ایشان دانشجوی رسیدن به موفقیت در کنار همسرم، بزرگترین هدف من در زندگی است.
- ۹- دارای چند فرزند هستید؟
یک فرزند. به اسم سوین.
- ۱۰- از شغل خود رضایت دارید؟
من از شغل خود راضی هستم. و دوست دارم کار افرادی که مراجعه می کنند به بهترین نحو انجام دهم، چرا که دعای خیر ایشان برای من ارزشمند است. همین طور سعی می کنم خیلی با نشاط و با انرژی باشم.
- ۱۳- دوست دارید در آینده چه موقعیتی داشته باشید؟
بتوانم همسر و مادر خوبی باشم. و دوست دارم همیشه به جامعه خدمت کنم.
- ۱۴- آیا می خواهید از کسی تشکر کنید؟
از همسر و دختر خود تشکر میکنم، که تمام شرایط سخت و شیرین را در کنار من تحمل کرده اند. و از پدر و مادرم تشکر میکنم که همیشه و صمیمانه در کنار من بوده اند. همین طور از سرپرست محترم واحد، دکتر افشاری، سپاسگزارم که با تدبیر، مدیریت دانشگاه را عهده دار هستند.
- سامانه ی پیامکی بسام هر لحظه منتظر دریافت پیام ها، پیشنهادات و انتقادات شما عزیزان میباشد:

مثل فرزند خودم



دوباره در آستانه ماه مهر و بازگشایی مدارس قرار داریم بیاییم همه فرزندان کشورمان را مانند فرزند خودمان دوست بداریم، و در کنار خرید برای فرزند خودمان، کمکی هرچقدر که از دستان بر می آید برای تهیه لوازم تحریر و وسائل تحصیل آنها کنار بگذاریم.

همه ما می توانیم با مشارکت در این پوشش، بر گرد شمع وجود دانش آموزان نیازمند که امیدهای آینده ایران عزیز هستند همچون پروانه باشیم و بخشی هرچند اندک از نیازهای این عزیزان را حتی در حد چند جلد دفتر، یک کیف، یک جفت کفش، نوشت افزار و تامین کنیم تا برای لحظاتی بر لب این عزیزان لبخند بنشیند.

هربار با دیدن جلوه‌های زیبایی از محبت و مردمان ایران زمین و کودکان مهربان‌شان مطمئن می‌شویم که رسم نیکی و نیکویی هرگز در این خاک از بین نخواهد رفت و چه زیباتر خواهد بود که بتوان نیکوکاری را به فرزندانمان بیاموزیم و این بنا از ما به یادگار بماند.

دست به نیکی دهیم و همه با هم برای رفع نیازها و بهبود وضعیت کودکان بی بضاعت قدمی برداریم. به امید روزی که هیچ کسی نیازمند و ناراحت نباشد...

آرزوی تیم بسام برای همه لبخندی به زیبایی ماه بر چهره های چون خورشید شماست.



لینک دانلود مستقیم رادیوی کامل این شماره:

سرور vv2:

<http://vv2.ir/fmbasam/mag7.mp3>

سرور آپارات:

<https://www.aparat.com/v/qQb1r>



۳۱ جان کشن مثل اسب در ترمهای آخر، خر حصانی برای تز، کشیکهای شبانه تا آمیدی از آینده، احساس پیری و پوچی و ...	۳۲ پیداکردن وجهه نزد ادمان عمومی و شستیدن واژه هابی مثل: ایول، دستان گرم، مرسی و ...	۳۳ تفلان های مشکوک ارتباطات مشکوک رفت آمد های مشکوک دوستان مشکوک (اصولاً هر کاری که دانشجو می کند مشکوک است)	۳۴ از بالا بخش نامه آمده که مار بگذرد کاری هم نمی شود کرد	۳۵ به نعلی که به شما مربوط نیست صلاح بیده می شود نروید بی کارخان، بروید پایین مارکه نه، ازما	۳۶ یک جورهایی بودن که هم کسی نمیدانند و هم نمی توان نوشت	۳۷ فعالیت های علمی کارهای فرهنگی بی سر صدا بچه خوبی بودن توی لاک خود بودن	۳۸ فارغ التحصیلی good bye party و عضویت در هیأت مدیره کفش سایان! مدیر کارخانجات Iran vel و velco	۳۹ غایت سلف و بد اخلاقی راندن سر و روس و انتقاد از مسئولان زحمتکش و انتقاد پذیر	۴۰ به علت مشکلات جنسی و ملاحظات اجتماعی این بخش حذف شده است	۴۱ جلوه های مدرنیته: شلوار لی تنگ کتترا عینک آفتابی ... و جیبها روی آوردن به موسیقی!	۴۲ خوردن غذاهای خوب دانشگاه (و ابتلاء به انواع بیماریهای کشف شده و کشف نشده)
۴۱ عرق (بید مشک) ورق (کتاب درسی) زوروق (برای مصارف آشپزخانه)	۴۲ پس کردن ۷۳ از واسعهای لوله شده در ترم تحصیلی و نابود شدن بر نهن لین و آن (خاص و عام)	۴۳ در خواست مجوز انتشار (نشریه و خبر نامه)	۴۴ این خانه هنوز شناسائی نشده	۴۵ سیاه است! این خانه	۴۶ زندگی در خوابگاه و مصاحبت با ناظمه های مهربان	۴۷ شوری فرهنگی دانشگاه	۴۸ عضویت در یک تشکل دانشجویی خاص که اگر نباشد، مملکت نامی چرخد	۴۹ عضویت در گروههای منحرف و پاند های انقلابی نظیر: GHOGHNOOS BORNA PALOON	۵۰ الیوم استعمال دخانیات در محوطه پشت سلف به ای نحوکان مصداق محاربه با ماست!	۵۱ عشق! (توضیح یک نگاه خلال است نه صدا! چون زبانش موجب عشق و عاشقی می گردد!)	۵۲ قبولی در دانشگاه (بعد از کلی ریاضت و بدمستی و خرزیدن)

نقشه‌ی دانشگاه ورودی‌هاک جدید خوش آمدید



201169887-7